دست آخر

یک رمان و دو نمایشنامه

سفر در تاریکی

● **مانی سپهری**: نویسندگانی هستند که هیچ مرام و مسلکی به آنها روی خوش نشان نمی‌دهد. یل لیس نویسنده آلمانی‌زبان جبک، یکی از این نویسندگان است. نویسنده‌ای که در زمان حیاتش، هم مغضوب نازی‌هایی بود که کشورش را اشغال کرده بودند و هم مغضوب کمونیست‌ها. منتقدان جلگ نیز به آثار او روی خوش نشان ندادند و تنها اکسپرسیونیست‌ها بودند که او را تحسین کردند. اما بعد از مرگش در سال ۱۹۴۵ و پیدا‌شدن آثارش در میان زباله‌ها ناگهان به‌عنوان نویسنده‌ای مطرح به جهانیان شناسانده شد و ترجمه آثارش به زبان‌های مختلف باعث شد او را به‌عنوان نویسنده‌ای مهم و درخور اعتنا به جا بیاورند. «سفر سورین به تاریکی» رمانی است از این نویسنده که با ترجمه فاطمه پورجعفری در نشر مانیا هنر منتشر شده است. لیس در این رمان تجربه زیسته‌اش را به مسئله وجودی انسان تنها و رگشته پیوند زده و قهرمانی آفریده است که کرفتز در سرکشکی وجودی در خیابان‌های شهر براک سرگردانه می‌زند و در این سفر درون‌شهری بین‌زیستی به قصه تاریکی فرو می‌رود. وقایع رمان در براک اتفاق می‌افتد و لیس در این رمان، که اولین بار در سال ۱۹۱۴ منتشر شده است، چنان‌که در مقدمه ترجمه فارسی آن آمده «در سبکی مشابه کافکا، بستر شهر را اساس کار خود قرار داده و جغرافیای براک را نمادی از کلان‌شهر پسامدنه‌های بشری، ملال و فرسودگی و یک کلام چهره تاریک روح انسان به نمایش می‌گذارد. براک در این رمان شهر ارواح است. شهر بی‌قراری روح. آینه‌ای مقابل درونیات قهرمان آن یعنی سورین».

سورین قهرمان لیس رمان، کارمند جوانی است که به جست‌وجویی تباه، در شهر بریسه می‌زند و رمان در دو بخش به نام‌های «یک سال از زندگی سوریـن» و «عنکبوت» سیر زوال و تباهی او را روایت می‌کند. رمان از همان سطرهای آغازین ملال زندگی سوریـن و وضعیت تباه او را به‌خوبی به تصویر می‌کند و خواننده را آماده می‌کند برای همراهشدن با او در سفرش در تاریکی‌های شهر: «بیست‌وچهارمین پاییز زندگی سوریـن بود. بعدازظهرها خسته از شکنجه کار اداری، به خانه می‌رفت و خود را روی مبل چرم مشکی‌رنگ اتاقش می‌انداخت و تا سر شب می‌خوابید. چراغ‌های خیابان که روشن می‌شد، از خانه بیرون می‌زد. خورشید تنها در روزهای کشدار و سوزان تابستان بر بریسه‌زدن‌های او در شهر می‌تابید، یا یکشنبه‌ها که تمام روز مال خودش بود و در شهر می‌گشت و دوران کوتاه دانشجویی‌اش را مرور می‌کرد.

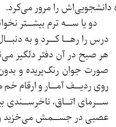

دو یا سه ترم بیشتر نخوانده بود که درس را رها کرد و به دنبال کار رفت. هر صبح در آن دفتر دلگیر می‌نشست و صورت خوابی رنگ‌پریده و بدون ریش‌اش روی ردیف آمار و ارقام خم می‌شد. با سرمای اتاق، ناخرسندی بیمارگونه و عصبی در جسمش می‌خزید و بی‌قراری در وجودش بیدار می‌شد. این ملال گزنده دست‌هایش را به لرزه وا می‌داشت. خستگی آزارده‌نده‌ای شقیقه‌هایش را می‌کاوید و با انعکاس‌ناپذیر مردمک چشم‌ها را آن‌قدر فشار می‌داد که دردناک می‌شد...».

علاوه بر این رمان، نمایشنامه «اتوپس»، نوشته استانیلاو استراتیو، نویسنده اهل بلغارستان، از دیگر کتاب‌هایی است که امسال در نشر مانیا هنر منتشر شده است. این نمایشنامه را «ایلیا خجویان» به فارسی ترجمه کرده است. «اتوپس» یک تراژدی-کمدی است در ده پرده و با ۹ شخصیت. وقایع این نمایشنامه در یک اتوپوس اتفاق می‌افتد و نویسنده در آن رویکردی انتقادی و طنزآمیز به جامعه و مسائل آنها دارد. رویکردی که این اثر را اثری دیالوگ‌های مناسب‌ساز اتوپوس و موقعیت آنها به‌خوبی می‌توان دریافت. آنچه می‌خوانید دیالوگی است از این نمایشنامه از زبان شخصیتی که در متن او را به نام «پیرمرد» می‌نامیم. این دیالوگ در پنجاه جلد ترجمه فارسی نمایشنامه نیز نقد شده است «عدالت‌خواهانو ببینید. نون را زرت میگیرن و میخوان در عدالت‌خواه حساب کنن. بخوبین سر ببین. برزین تو شکمتون. در اروپا یا که تفاوتش به روز را سر میکنن. آن‌قدر نازک که دنیا را این طرفش میتونی ببینی».

دیگر نمایشنامه‌ای که امسال در نشر مانیا هنر به چاپ رسیده است، نمایشنامه‌ای است به نام «یانک رک»، نوشته سایمون استیونز، نمایشنامه‌نویس انگلیسی که با ترجمه علیرضا معصومی‌نژاد منتشر شده است. «یانک رک» نیز نمایشنامه‌ای است با رویکردی انتقادی به اجتماع و با محوریت نقد زمانه آموزشی و تعمیم آن به کل یک جامعه و سازوکارهای رسمی آن و خطری که متوجه کودکان و نوجوانان و آینده آنهاست. در بخشی از مقدمه ترجمه فارسی «یانک رک» توضیح داده شده که این نمایشنامه برخلاف «محصول وضعیت موجود» اثر جیمی گرین، «همان هاشم شعبانی‌پور»، اهمیت عمل جوان‌پور در بازنمایی واقعگرای همین وضعیت است. ... پرتره‌های واقعگرای جوان‌پور از اصول کور فراتر رفته و به رئالیسم نزدیک می‌شود که آن را یعنی بازنمایی وضعیت‌های انضمامی عام و جهان‌شمول می‌پردازند». از این منظر است که «لذزده معتقد است این اثر جایگاه مهمی در بازخوانی کامل مسأله رئالیسم در تاریخ هنر ایران دارد».

در آخر کتاب و پیش از نسخه انگلیسی مقالات، رویین پاکباز، نقاش و منتقد هنری مطلع متنی نوشته است در شرح تابلوی محمود جوادی‌پور که کوبا بیش از اثر دیگرش تمام تجربیات و هنرش را در خود جمع داد با عنوان «بادی از کشته‌ها». که می‌خوانید: «تصویری رنگارنگ و ساخته و پرداخته از اشخاص و اشیای نزدیک و دور و دورتر. صحنه‌ای از مهمانی، بزم و گفت‌وگوی دوستان و آشنایان. تلفیقی از خیال و واقعیت. افسانه و تاریخ. فرهنگ گذشته و امروز. سنت و تجدد. خاطره‌ای از پنجاه و اندی سال مشغله ذهنی و تجربه هنری. از کسی که با وسواس و دقتی کم‌نظیر حتی جزئی‌ترین نسبت و مدرک مربوط به کار و زندگی خود را نگهداری و بایگانی می‌کرد. خلق چنین تصویری از دیده‌ها و شنیده‌ها و آموخته‌های چندین عجیب نمی‌تماید. یادی از گذشته‌ها، افواج خودزندگی‌نامه تصویری جوادی‌پور است».

● **ستایش روز! گزیده آثار محمود جوادی‌پور / نشر نظر**

محمود جوادی‌پور در کارزندگی و هنر

دعوت به هنر

● **شرق**: گزیده آثار محمود جوادی‌پور، نقاش و گرافیست معاصر با عنوان «ستایش روز» با مقالاتی از رویین پاکباز، سیامک دل‌زنده و نیوشا جوادی‌پور و رویدادکاری توکا ملکی اخیرا در نشر نظر منتشر شده است. این کتاب دوزبانه در چهارصدوپازده صفحه فارسی و نزدیک به چهل صفحه انگلیسی که ترجمه مقالات کتاب است، تدوین شده و شامل نقاشی‌های جوادی‌پور در ادوار مختلف کار هنری او است که با چاپ باکیفیت و درخور، در کنار مقالاتی که به زیست و تفکر هنری او پرداخته شمایی کامل از این هنرمند ترسیم می‌کند. «دعوتی به هنر» مقاله نخست کتاب به قلم نیوشا جوادی‌پور نگاهی دارد به زندگی و هنر این هنرمند، کارنامه هنرش‌اش که حین بررسی این کارنامه بیوگرافی دقیقی از او به‌دست می‌دهد. «هفت دهه فعالیت هنری مستمر محمود جوادی‌پور کارهای تاریخی و فرهنگی جشمکیری را دربر می‌گیرد. مجموعه‌آثار ثبت‌شده او بیش از هفتصد اثر است. بدون احتساب کارهای کمترشناخته‌شده‌اش آثاری متنوع با طیف خیره‌کننده‌ای از تکنیک‌ها و مواد». چنان‌که در این مقاله نیز اشاره شده است، آثار جوادی‌پور با نقوش ایرانی ارتباط و درهم‌آمیختگی بسیاری دارد و به‌رغم تأثیرپذیری از هنر مدرن با هنر بومی نیز هم‌بسته است. کرچه این هنرمند ابتدا به موسیقی و آهنگ‌سازی تمایل داشته، اما با ورود به هنرستان رؤیای نقاشی جان می‌گیرد و بعدها علاقه او به گرافیک نیز مسیرهای دیگری را پیش‌رویش باز می‌کند که ماحصل آن بنیان‌گذاری رشته طراحی گرافیک در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران است که جوادی‌پور از مؤثرترین افراد در این زمینه بود. نیوشا جوادی‌پور درباره تدوین کتاب «ستایش روز» می‌نویسد: «تصمیم تدوین این کتاب در سال ۱۳۸۸ گرفته شد. من و پدرم انبه داشتیم انری درخریدنه و منسجم از کارهای او بیش‌روی همه‌کان بکذاریم. فاصله میان مونیخ و تهران هماهنگی‌ها را دشوار می‌کرد؛ به‌علاوه کارهای هنری او از نظر تعداد و تنوع بسیار بزرگ است. ما خواسته ما زمان نیاز بود. سال ۱۳۹۱، که مقدمات جمع‌آوری آثار را شروع کرده بودیم، پدرم درگذشت». بعد از آن نیوشا جوادی‌پور به بازبینی آثار پرنسام محمود جوادی‌پور می‌نشیند و از اثر حاصل انتخاب او است. بعد از این مقدمه مفصل نوبت به سالشمار زندگی این هنرمند می‌رسد: «محمود جوادی‌پور در گذار زندگی و هنر» نوشته توکا ملکی. این بخش نیز از سال ۱۲۹۹ آغاز می‌شود که محمود جوادی‌پور در ۱۳ شهریور آن سال در کوچه قلعسنان خیابان حاجی‌عبدالصمد در محله امیریه تهران متولد شد تا ۱۳۹۱ که او در مونیخ درگذشت و بیکرش به تهران منتقل شد. اما گذار هنر او همین‌جا خاتمه نمی‌یابد. سالشمار زندگی هنری محمود جوادی‌پور ادامه دارد تا همین امسال، ۱۳۹۷؛ که مجموعه‌ای کامل از گزیده‌آثار او منتشر شده است. در ادامه گزیده‌آثار او چاپ شده است با شرح و عنوان هریک از آثار.

«نقاشی نوکرا مستر بر رئالیسم» به قلم سیامک دل‌زنده مقاله‌ای است در وصف «پرتره‌های کوهی» ایـن هنرمند. «محمود جوادی‌پور یک بار در سال ۱۳۲۷/ق ۱۹۴۸م پرتره سه شخصیت تاثیرگذار فرهنگی را در سه تابلوی جداگانه نقاشی کرد. آن میان دو نفر بعضی هوشنگ آجوداني و حسین کاظمی در کنار خود جوادی‌پور، بنیان‌گذار نخستین کالری هنری ایران به نام آیدانا. کاسنامه هنرهای زیبا بودند. در ادامه زنده‌دل از علاقه جوادی‌پور به سلفی‌پرتره می‌نویسد، سلفی‌پرتره‌هایی که در عین تأثیرپذیری از قلم امپرسیونیستی نسبت مضحکی با اصول واقع‌گرایی دارند. او می‌نویسد جوادی‌پور در زمانه‌اش‌اگر با کارگر که رئالیسم با تفوق تاثرآلیسم در آثار شاگردان کمال‌الملک به حاشیه رفته بود و هرمندان نوکرا چالش عنوز از طبیعت‌گرایی به سمت بیان تصویری تاثرار همچون پست‌امپرسیونیسم و کوبیسم مواجه بودند. «جوادی‌پور در چنین وضعیتی آغاز به کار کرد و علی‌رغم آنکه در میان نقاشان همدوره و به‌خصوص پیشکسوتان نقاشی نوکرای ایران رئالیسم در مرکز توجه قرار نداشت، به‌نظر می‌رسد تا حدی مسأله جوادی‌پور در این مقاله دیده است. در این مقاله آمده است این هنرمند ابتدا به موسیقی و آهنگ‌سازی تمایل داشته، اما با ورود به هنرستان رؤیای نقاشی جان می‌گیرد و بعدها علاقه او به گرافیک نیز مسیرهای دیگری را پیش‌رویش باز می‌کند که ماحصل آن بنیان‌گذاری رشته طراحی گرافیک در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران است که جوادی‌پور از مؤثرترین افراد در این زمینه بود. نیوشا جوادی‌پور درباره تدوین کتاب «ستایش روز» می‌نویسد: «تصمیم تدوین این کتاب در سال ۱۳۸۸ گرفته شد. من و پدرم انبه داشتیم انری درخریدنه و منسجم از کارهای او بیش‌روی همه‌کان بکذاریم. فاصله میان مونیخ و تهران هماهنگی‌ها را دشوار می‌کرد؛ به‌علاوه کارهای هنری او از نظر تعداد و تنوع بسیار بزرگ است. ما خواسته ما زمان نیاز بود. سال ۱۳۹۱، که مقدمات جمع‌آوری آثار را شروع کرده بودیم، پدرم درگذشت». بعد از آن نیوشا جوادی‌پور به بازبینی آثار پرنسام محمود جوادی‌پور می‌نشیند و از اثر حاصل انتخاب او است. بعد از این مقدمه مفصل نوبت به سالشمار زندگی این هنرمند می‌رسد: «محمود جوادی‌پور در گذار زندگی و هنر» نوشته توکا ملکی. این بخش نیز از سال ۱۲۹۹ آغاز می‌شود که محمود جوادی‌پور در ۱۳ شهریور آن سال در کوچه قلعسنان خیابان حاجی‌عبدالصمد در محله امیریه تهران متولد شد تا ۱۳۹۱ که او در مونیخ درگذشت و بیکرش به تهران منتقل شد. اما گذار هنر او همین‌جا خاتمه نمی‌یابد. سالشمار زندگی هنری محمود جوادی‌پور ادامه دارد تا همین امسال، ۱۳۹۷؛ که مجموعه‌ای کامل از گزیده‌آثار او منتشر شده است. در ادامه گزیده‌آثار او چاپ شده است با شرح و عنوان هریک از آثار.

«نقاشی نوکرا مستر بر رئالیسم» به قلم سیامک دل‌زنده مقاله‌ای است در وصف «پرتره‌های کوهی» ایـن هنرمند. «محمود جوادی‌پور یک بار در سال ۱۳۲۷/ق ۱۹۴۸م پرتره سه شخصیت تاثیرگذار فرهنگی را در سه تابلوی جداگانه نقاشی کرد. آن میان دو نفر بعضی هوشنگ آجوداني و حسین کاظمی در کنار خود جوادی‌پور، بنیان‌گذار نخستین کالری هنری ایران به نام آیدانا. کاسنامه هنرهای زیبا بودند. در ادامه زنده‌دل از علاقه جوادی‌پور به سلفی‌پرتره می‌نویسد، سلفی‌پرتره‌هایی که در عین تأثیرپذیری از قلم امپرسیونیستی نسبت مضحکی با اصول واقع‌گرایی دارند. او می‌نویسد جوادی‌پور در زمانه‌اش‌اگر با کارگر که رئالیسم با تفوق تاثرآلیسم در آثار شاگردان کمال‌الملک به حاشیه رفته بود و هرمندان نوکرا چالش عنوز از طبیعت‌گرایی به سمت بیان تصویری تاثرار همچون پست‌امپرسیونیسم و کوبیسم مواجه بودند. «جوادی‌پور در چنین وضعیتی آغاز به کار کرد و علی‌رغم آنکه در میان نقاشان همدوره و به‌خصوص پیشکسوتان نقاشی نوکرای ایران رئالیسم در مرکز توجه قرار نداشت، به‌نظر می‌رسد تا حدی مسأله جوادی‌پور در این مقاله دیده است. در این مقاله آمده است این هنرمند ابتدا به موسیقی و آهنگ‌سازی تمایل داشته، اما با ورود به هنرستان رؤیای نقاشی جان می‌گیرد و بعدها علاقه او به گرافیک نیز مسیرهای دیگری را پیش‌رویش باز می‌کند که ماحصل آن بنیان‌گذاری رشته طراحی گرافیک در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران است که جوادی‌پور از مؤثرترین افراد در این زمینه بود. نیوشا جوادی‌پور درباره تدوین کتاب «ستایش روز» می‌نویسد: «تصمیم تدوین این کتاب در سال ۱۳۸۸ گرفته شد. من و پدرم انبه داشتیم انری درخریدنه و منسجم از کارهای او بیش‌روی همه‌کان بکذاریم. فاصله میان مونیخ و تهران هماهنگی‌ها را دشوار می‌کرد؛ به‌علاوه کارهای هنری او از نظر تعداد و تنوع بسیار بزرگ است. ما خواسته ما زمان نیاز بود. سال ۱۳۹۱، که مقدمات جمع‌آوری آثار را شروع کرده بودیم، پدرم درگذشت». بعد از آن نیوشا جوادی‌پور به بازبینی آثار پرنسام محمود جوادی‌پور می‌نشیند و از اثر حاصل انتخاب او است. بعد از این مقدمه مفصل نوبت به سالشمار زندگی این هنرمند می‌رسد: «محمود جوادی‌پور در گذار زندگی و هنر» نوشته توکا ملکی. این بخش نیز از سال ۱۲۹۹ آغاز می‌شود که محمود جوادی‌پور در ۱۳ شهریور آن سال در کوچه قلعسنان خیابان حاجی‌عبدالصمد در محله امیریه تهران متولد شد تا ۱۳۹۱ که او در مونیخ درگذشت و بیکرش به تهران منتقل شد. اما گذار هنر او همین‌جا خاتمه نمی‌یابد. سالشمار زندگی هنری محمود جوادی‌پور ادامه دارد تا همین امسال، ۱۳۹۷؛ که مجموعه‌ای کامل از گزیده‌آثار او منتشر شده است. در ادامه گزیده‌آثار او چاپ شده است با شرح و عنوان هریک از آثار.

گفت‌وگو با **داراب دیبا** و **ایرج کلانتری** به مناسبت انتشار کتاب «معماری معاصر ایران»

معماری کالای تجاری نیست

عکس: سهیلا نکی‌شیرازی

شرق: «معماری معاصر ایران» عنوان کتابی است از داراب دیبا که مدتی پیش توسط نشر کتاب آبان و دید گرافیک به چاپ رسید و آن طور که از عنوان کتاب هم برمی‌آید، در این اثر با گزیده‌ای از آثار معماری چهار دهه اخیر ایران روبه‌رو هستیم. این کتاب درواقع حاصل تلاش پنج‌ساله دیبا و همکارانش در شناخت آثار معماری معاصر ایران. گفتگو با معماران و بازدید و عکاسی از آثار مورد نظر است. در ابتدای این پروژه آثار زیادی گردآوری می‌شوند و بعد در چند مرحله از داوران و کارشناسان نظرسنجی می‌شود و در نهایت تعدادی از آثار برای انتشار در این کتاب انتخاب می‌شوند. در برخی از موارد استادان و معماران بین‌المللی نیز دیاره آثار نظر داده‌اند و جمع‌بندی نهایی کتاب توسط داراب دیبا انجام شده است. هدف از انتشار «معماری معاصر ایران» بیش از هرچیز معرفی معماری چند دهه اخیر ایران به عرصه بین‌المللی است و از این‌روست که کتاب به زبان انگلیسی منتشر شده است. به مناسبت انتشار کتاب «معماری معاصر ایران»، نشستی درباره این کتاب با حضور داراب دیبا، ایرج کلانتری، غزاله حنایی و فیروز شافعی برگزار گردید. ایرج کلانتری یکی از معمارانی است که در هیئت داوری این پروژه حضور داشته و غزاله حنایی هم از همکاران دیبا در این طرح بوده است. فیروز شافعی نیز کارفرمی و طراحی کتاب را برعهده داشته است. در این نشست درباره ضرورت انتشار این کتاب، شیوه انتخاب آثار و وضعیت و جایگاه معماری معاصر ایران صحبت کرده‌ایم. داراب دیبا در بخشی از این نشست درباره اهداف این پروژه می‌گوید: «مهم‌ترین هدف ما معرفی معماری ایران در عرصه جهانی بود. ما حدود بیست سال مجله‌ای با عنوان «معماری و شهرسازی» منتشر می‌کردیم... هفتادوپنج درصد این مجله به زبان فارسی بود و بیست‌وپنج درصدش خلاصه‌ای از آن به زبان انگلیسی بود. بعدها ما متوجه شدیم که مخاطبان این مجله بیشتر از هزار نفر یا دو هزار نفر نیستند. هنوز هم مجلاتی که در ایران درباره معماری و به زبان فارسی منتشر می‌شوند مخاطب بین‌المللی ندارند و خوانندگانشان در دو هزار نفر خلاصه می‌شود که اغلبشان هم خود معماران هستند. اما در کتاب «معماری معاصر ایران» هدف ما این بود که نشان دهیم در ایران اتفاقاتی در حوزه معماری در حال وقوع است و این آدم‌هایی که در این سال‌ها مشغول به کار بوده‌اند یک سابقه کاری و انگیزه اجتماعی دارند و به کشورشان هم علاقه‌مندند و ما می‌خواستیم به واسطه این کتاب این چهره‌ها و آثار را در سطحی جهانی معرفی کنیم». بازخوردهایی هم که ما در انتشار این کتاب می‌بینیم رضایت‌بخش است. اما اگر کتاب به زبان فارسی چاپ می‌شد باید ماجراهایش محدود می‌شد و اصولا من هنگام مرگ امروز ما در دنیایی به‌سر می‌بریم که بیشتر کارهایمان را به زبان بین‌المللی ارائه کنیم تا بتوانیم خودمان را بهتر معرفی کنیم. سیستمی ما الآن موفق شده است به‌خاطر فشیوال‌های مختلفی است که در دنیا برگزار می‌شود. معماری هم به همین شکل باید در جهان دیده شود و اگر خودمان را در سطحی جهانی ببینیم جایگاه خودمان را پیدا می‌کنیم.

غزاله شافعی: در آغاز کفتکو و برای ورود به بحث لطفا توضیح دهید که براساس چه ضرورتی به سراغ تدوین کتاب «معماری معاصر ایران» رفتید؟

داراب دیبا: در خارج از ایران تقریبا کسی تصوری از معماری ایران ندارد و آنچه در اینجا در جریان است ناشناخته مانده است. دلیل این مسئله هم این است که کار تبلیغاتی به صعیف است و کتاب‌های ما هم غالبا فقط به زبان فارسی منتشر می‌شوند و در نتیجه در خارج از ایران مخاطبی ندارند. هدف ما از انتشار کتاب «معماری معاصر ایران» این بود که مهندسان و معماران خوبی را که در این مملکت مشغول کار هستند، در صحنه بین‌المللی مطرح و معرفی کنیم. دلیل اینکه کتاب به زبان انگلیسی تدوین شده هم همین است و با وزارت امور خارجه هم صحبت کرده‌ایم که این کتاب را در بخش‌های فرهنگی‌شان اراه دهند تا در کشورهای مختلف جهان معرفی شود. ما در این کتاب چندان هم به دنبال این نبودیم که ژورنا آثار خوب را انتخاب کنیم بلکه همه‌کان بیشتر دارد به دنبال پدیدارشناختی درباره معماری‌ای بود که در این کشور وجود دارد و می‌خواستیم به معرفی این آثار بپردازیم. به‌این‌ترتیب کارهای متنوع و شناخت در این کتاب گرد آمده‌اند و درباره هر اثر هم کمی اطلاعات ارائه کرده‌ایم. در مقدمه کتاب به این نکته اشاره شده که اگر ما امروز در معماری‌مان به نقطه فعلی رسیده‌ایم نباید فراموش کنیم که از زمان ورود مدرنیته به ایران به‌ویژه از دهه ۱۳۲۰ به بعد اگر می‌خواستیم ساختمان بسازیم، تنها به امروز افراد زیادی در رشته معماری‌مان هم وجود داشت. از اگاز غیرز فرامانفرمائیان گرفته تا کسانی دیگری مثل ملر، تصویری دارند از همچون پست‌امپرسیونیسم و کوبیسم مواجه بودند. «جوادی‌پور در چنین وضعیتی آغاز به کار کرد و علی‌رغم آنکه در میان نقاشان همدوره و به‌خصوص پیشکسوتان نقاشی نوکرای ایران رئالیسم در مرکز توجه قرار نداشت، به‌نظر می‌رسد تا حدی مسأله جوادی‌پور در این مقاله دیده است. در این مقاله آمده است این هنرمند ابتدا به موسیقی و آهنگ‌سازی تمایل داشته، اما با ورود به هنرستان رؤیای نقاشی جان می‌گیرد و بعدها علاقه او به گرافیک نیز مسیرهای دیگری را پیش‌رویش باز می‌کند که ماحصل آن بنیان‌گذاری رشته طراحی گرافیک در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران است که جوادی‌پور از مؤثرترین افراد در این زمینه بود. نیوشا جوادی‌پور درباره تدوین کتاب «ستایش روز» می‌نویسد: «تصمیم تدوین این کتاب در سال ۱۳۸۸ گرفته شد. من و پدرم انبه داشتیم انری درخریدنه و منسجم از کارهای او بیش‌روی همه‌کان بکذاریم. فاصله میان مونیخ و تهران هماهنگی‌ها را دشوار می‌کرد؛ به‌علاوه کارهای هنری او از نظر تعداد و تنوع بسیار بزرگ است. ما خواسته ما زمان نیاز بود. سال ۱۳۹۱، که مقدمات جمع‌آوری آثار را شروع کرده بودیم، پدرم درگذشت». بعد از آن نیوشا جوادی‌پور به بازبینی آثار پرنسام محمود جوادی‌پور می‌نشیند و از اثر حاصل انتخاب او است. بعد از این مقدمه مفصل نوبت به سالشمار زندگی این هنرمند می‌رسد: «محمود جوادی‌پور در گذار زندگی و هنر» نوشته توکا ملکی. این بخش نیز از سال ۱۲۹۹ آغاز می‌شود که محمود جوادی‌پور در ۱۳ شهریور آن سال در کوچه قلعسنان خیابان حاجی‌عبدالصمد در محله امیریه تهران متولد شد تا ۱۳۹۱ که او در مونیخ درگذشت و بیکرش به تهران منتقل شد. اما گذار هنر او همین‌جا خاتمه نمی‌یابد. سالشمار زندگی هنری محمود جوادی‌پور ادامه دارد تا همین امسال، ۱۳۹۷؛ که مجموعه‌ای کامل از گزیده‌آثار او منتشر شده است. در ادامه گزیده‌آثار او چاپ شده است با شرح و عنوان هریک از آثار.**

«معماری معاصر ایران» حاصل کار پنج‌ساله است و خودتان اشاره کردید که در ابتدا حدود سیصد اثر را جمع‌آوری کردید و سپس آنها را مورد داوری قرار دادید. معیارهای شما در انتخاب این آثار چه بودند؟

دیبا: ما در ابتدا بدون هیچ تیمزیادتی ساختمان‌هایی که در این دو سه دهه ساخته شده را انتخاب کردیم. در نتیجه بدون اینکه تفکیکی قائل شویم آثار این دوره را جمع کردیم و ارشیایی کیفی شیئن مدنظرمان نبود. آثار جمع‌آوری‌شده را طبقه‌بندی کردیم و اطلاعاتی مثل بلان و کارفرکا و معمار و... را مشخص کردیم و سپس آثار را برای داوری به شوره بردیم. یک شورا متشکل از پیشکسوتانی مثل جناب کلانتری و دیکران بود که این آثار را می‌دیدند و امتیاز می‌دادند. ضوابطی هم برای این امتیازدهی مشخص کرده بودیم و معیارمان فقط زیبایی آثار نبود بلکه نواوری در اثر هم مدنظر بود. مثلا اینکار در نوع سازه یا تجهیزات مورد توجه ما بود. ما آثار را در چرخه‌ای نزدیک آوردیم و امتیازدهی صورت گرفت و آثار برجسته‌تر مشخص شدند. همان طوری که می‌دانید در زمان رسیدن جمهوری اسلامی تا حدود ۱۰ سال با معماران خوبی مواجه بودیم که در این جریان خارج از کشور حضور داشتند و بعد که این یک دوره مهمی در معماری ایران است چراکه برای اولین‌بار چند معماری که سابقه روشنی داشتند به طراحی سفارتخانه‌ها و سفارتخانه‌ها برای ما خیلی جالب بودند چراکه ما در آن دوره‌ای کمی گنگ است. ولی به عقیده من همه در معماری معاصر ما از زمان رضاشاه به بعد آغاز می‌شود. پیش از آن و در دوره قاجار نوعی معماری قاجاری و عصر مشروطه اتفاقی کلاسیسیزم از غرب و اروپا وارد می‌شود اما از زمان رضاشاه اینبه‌های مختلفی در ایران شکل می‌گیرد که قابل توجه‌اند. ساختمان‌های پست و تلگراف، وزارت خارجه، راه‌آهن و خیلی دیگر از نظر معماری به صورت آنها نواوری دیده می‌شود. در کنار این‌ها در آن زمان معماران به صورت منفرد و در دفتر کوچک با دفاتر فنی بعضی از وزارتخانه‌ها کار می‌کردند و در آن دوره است که اولین سازمان مهندسین مشاور به وجود می‌آید که یکی از بنیانگذاران مهندس مشاور ایران هستند. اصولا یک بین‌المللی تولید معماری از آن زمان آغاز شد و همین‌طور اتفاقی که در کنار آن افتاد دیگر به بین‌المللی مهم نیز در ایران برگزار شد که ساتید مهم معماری آن زمان در آنجا حضور داشتند. این دو کنگره در اصفهان و شیراز برگزار شدند و چهره‌هایی مثل لویی کان و کنزو تانکه و... در آن‌ها حضور داشتند.**

ایرج کلانتری: در غرب معماری یک کالای تجاری صرف نیست. وقتی یک ساختمانی ساخته می‌شود تا حدودی باید برای جامعه مفید هم باشد و اتفاقی در همین راستا می‌افتد. ما اصلش مربوط به محیط انسانی و محیط نسبت آدمی است که به تمدن، محیط‌زیست، جامعه مدنی، ایدئولوژی و جنبه‌های مختلف در جامعه ما در ارتباط است. ما سیستم آمده است فراتر از مفهوم متعارف و محدود دیرالین است و به همین دلیل در عنوان و متن کتاب ترجمه متعارف دیرالین یعنی «طراحی» به کار گرفته نشده و خود «دیرالین» به کار رفته است. در مقدمه نشر مشکی بر ترجمه فارسی این کتاب توضیح داده شده که محدودیت معنایی این معادل در برابر جنبه‌های وسیعی که در کتاب از مفهوم دیرالین مدنظر بوده دلیل استفاده از «دیرالین» به‌جای «طراحی» در ترجمه این کتاب است. در بخشی از این مقدمه در توضیح این موضوع آمده است: «در جریان ترجمه کتاب، ترجیح دادیم معادل مألوف واژه design در فارسی را - که همان طراحی باشد- بکار نبریم و از اصطلاح دیرالین استفاده کنیم. طراحی در فارسی معنای دیگری (drawing) هم دارد. درحالی‌که منظور نویسندگان designer یکسره جیز دیگری است. درواقع دیرالین معنای وسیع‌تری نسبت به طراحی دارد و واژه دوم نمی‌تواند تمام جنبه‌های مفهوم دیرالین را بازتاب بدهد. توضیح آنکه دیرالین در ترکیبات اضافی یا وصفی هم آمده است، و همین‌طور به شکل‌های دیگر: دیرالیر (طراح)، دیرالین‌کردن، و ... اما هرجا به drawing برخوردیم از طراحی کمک گرفتیم». در این مقدمه همچنین با اشاره به معنای وسیعی که در مدخل‌های مقاله‌وار کوتاه و بلند این کتاب از دیرالین مدنظر بوده، به این موضوع نیز اشاره شده است که «بسیاری از مقوّلاتی که در این کتاب دربارهشان بحث شده است در ایران ناشناخته مانده‌اند و این کتاب شاید درآمدی باشد بر شناخت آن‌ها». بعد از پیشگفتار نشر مشکی، پیشگفتار ناشر اصلی کتاب، یعنی انتشارات «برد»، آمده است. در بخشی از این پیشگفتار درباره رویکرد و هدف تدوین چنین کتابی آمده است: «یکی از اصول کاری انتشارات برد، بشود فکرش را کرد؛ چراکه نه خواننده‌ای که نمی‌خواند او را خواند. نه آن مشت و خردهای کتابخوان. ایـن فیلم‌نامه‌نویس، کارگردان سینما و رمان‌نویس زنده لهستان است: جایی که به‌گفته میلان کوندرا: «اگر فرانسه پایتخت فرهنگی این سوی اروپا بود، لهستان نیز در آن‌سو، مرکز فرهنگی اروپای دیگر بود». در چنین گفتار کتاب، مؤلفان با پرسش از مواجهه خود با ایـن اثر تدوّنش کوبونیسکی رفته‌اند: «و اما با حضّر مصّر میشائیل الرحاف و تیم مارشال گـرادوی و بـه‌طور همزمان به انگلیسی منتشر شده است. کام مفهمی در این زمینه است». دریابان این مقدمه با این پیش‌بینی که این کتاب مخاطبان و متقدانی داشته باشد از مخاطبان و منتقدان احتمالی جنس دانشمانه‌ای خواسته شده نشان مؤلف تفاوت دارد را دریابد این کتاب مطرح شده تا به بحث‌ها بیرامون موضوع کتاب دامن زده شود. بعد از پیشگفتار انتشارات «برد» به «دانشنامه دیرالین» پادداشت مختصری از پیشگفتار ناشر آمده که در آن به چگونگی جلوه‌خردن ایده تدوین و انتشار این کتاب و نحوه انجام کار برداخته شده و به دشواری‌ها و پیچیدگی‌هی که ویراستاران حین انجام این پروژه با آن‌ها روبه‌رو شده‌اند و همچنین به این‌که کتاب به‌ناظرین و به دلایلی که در پادداشت توضیح داده شده سبکی «ناهمگن» دارد و در برخی موارد متضادی را در کفتمان دیرالین جهانی مستند کرده است».

دوکتاب تازه درزمینه هنر

در آمدی بر شناخت دیزاین

● **شرق**: «دانشنامه دیرالین» جنان‌که از عنوانش نیز برمی‌آید کتابی است مشتمل بر بیش از سیصد مدخل درباره دیرالین. این کتاب که ویراسته میشائیل الرحاف و تیم مارشال است با ترجمه منظر محمدی در نشر مشکی منتشر شده است. بر پیشانی کتاب این سخن از زرژ باتای نقاش نقد شده است: «کار واژه‌نامه از آنجا آغاز می‌شود که دیگر به معنای واژه‌ها بلکه رسالت آن‌ها را به ما عرضه کند». آن‌چه در مدخل‌های این کتاب به‌عنوان دیرالین و جنبه‌های مختلف آن معرفی و به آن پرداخته شده است فراتر از مفهوم متعارف و محدود دیرالین است و به همین دلیل در عنوان و متن کتاب ترجمه متعارف دیرالین یعنی «طراحی» به کار گرفته نشده و خود «دیرالین» به کار رفته است. در مقدمه نشر مشکی بر ترجمه فارسی این کتاب توضیح داده شده که محدودیت معنایی این معادل در برابر جنبه‌های وسیعی که در کتاب از مفهوم دیرالین مدنظر بوده دلیل استفاده از «دیرالین» به‌جای «طراحی» در ترجمه این کتاب است. در بخشی از این مقدمه در توضیح این موضوع آمده است: «در جریان ترجمه کتاب، ترجیح دادیم معادل مألوف واژه design در فارسی را - که همان طراحی باشد- بکار نبریم و از اصطلاح دیرالین استفاده کنیم. طراحی در فارسی معنای دیگری (drawing) هم دارد. درحالی‌که منظور نویسندگ